

اشباع اجتماعی اعتراضات و نظریه تغییر



کیومرث اشتریان

اعتراضات سیاسی-اقتصادی اگر به مسیر «اشباع اجتماعی» هدایت نشوند، نه‌تنها برای کشور خطرناک نیستند، بلکه مفیدند و به اصلاح امور کمک می‌کنند. «اشباع اجتماعی» یعنی با مدیریت صبورانه تلاش کنید به تدریج انرژی خشمونت تخلیه شود. مدیریت صبورانه، هم «خشمونت سازمان‌یافته» را کور می‌کند و هم ظرفیت «خشمونت عمومی» را می‌کاهد تا به مطالبه مدنی-سیاسی تبدیل شود. اغتشاشات در همه جای دنیا ظرفیت استهلاک مدنی بالایی دارند و به‌زودی به اشباع اجتماعی می‌رسند. البته اینکه ترامپ گفت «کمک در راه است»، نه اسم رمز کودتا بلکه اعلام رسمی کودتا با نیروی خارجی بود. تصور آنان (و نه مردم معترض) این بود که کشور در یک شورش دامنه‌دار و جنگ داخلی بلندمدت وارد شود و سپس این عبارت برای توجیه حمله خارجی فراگیر شود که «پرزیدنت ترامپ، لیدر آف دِ ورلِد، پلیز هَلپ آس» (پیام ویدئویی یکی از سلب‌ریتی‌های خارج‌نشین)، مداخله آمریکا و اسرائیل مسیر اشباع اجتماعی اعتراضات را دشوار و راه کشته‌گیری را هموار کرد. اما نمی‌توان انکار کرد که فهم عمومی و حاکمیتی از مقوله «اشباع اجتماعی» می‌توانست ظرفیت تاریخی تعامل اجتماعی و هم‌گرایی ملی را بالا ببرد. «خودگاہی»، کلید موفقیت و نقطه عزیمت سیاست‌گذاری عمومی است؛ یعنی همگی به این درک عمومی برسیم که اعتراض برای کل جامعه مفید است. در آramش اجتماعی و آزادی‌های سیاسی امکان تأثیرگذاری آموزه‌های سیاسی و افزایش سواد سیاسی بیشتر است. پیش از بحران می‌بایست سواد سیاسی فرمانروایان و فرمانبران در این خصوص تقویت می‌شد که اگر اعتراض و اغتشاش به مسیر «اشباع اجتماعی» هدایت شود برای سرجمع منافع ملی مفید است. سیاست آزادی و دستگاه تحلیلی-رسانه‌ای آزاد است که از عهده چنین مهمی بر می‌آید. در چنین صورتی دامنه فجاج دی‌ماه کاسته می‌شد و کودتای آمریکایی-اسرائیلی شاید بدون خونریزی «جمع می‌شد». اگر این مفهوم در میان جوانان توسعه می‌یافت که اجابت‌فراخوان دول متخاصم چه مخاطرات بزرگی در پی دارد، شاهد چند هزار کشته نبودیم. از سوی دیگر، اگر «هقه سیاسی محاربه و بغی» را در بستری از تحلیل سیاسی-اجتماعی فهم می‌کردیم، اشباع اجتماعی و تخلیه خشمونت از اعتراض را در دستور کار انتظامی قرار می‌دادیم. دیدگاه قضائی-امنیتی مبتنی بر«هقه سیاسی محاربه و بغی» برای برخورد با چنین پدیده‌هایی فرصت اشباع اجتماعی اعتراضات را می‌گیرد و به جای آن فرصتی تاریخی برای ایدئولوژی‌های زرد رسانه‌ای در گسترش نفرت و واگرایی ملی فراهم می‌کند. به همین سان، باید به عامل دیگری نیز توجه کرد: تحلیل‌های «ایوکانالیته» شماری ایدئولوگ خودخوانده که بلای جان نظام تصمیم‌گیری شده است، تنها گسترش دامنه کشتار را توجیه می‌کند؛ زنجار از این ناخوابا..... اعتراضات جلیقه‌رزرها را در فرانسه ببینید که چندین ماه در کف خیابان عرض اندام می‌کردند. آیا آن اعتراضات به یک جنبش برانداز تبدیل شد؟ یا اینکه در چند ماه به اشباع اجتماعی رسید؟ از اعتراض به قیمت سوخت به مطالبات ضدسرمایه‌داری (یعنی براندازی) و پرکاری همه‌پرسی رسید و سپس در پایان در نتیجه اتخاذ «سیاست انتظامی اشباع اجتماعی»، مطالبات به سطح اعتراض به واکنس فروکاسته شد. «جنبش میان‌طبقائی» جلیقه‌رزرها به‌سرعت به «صدای اعتراض بخشی از جامعه» تبدیل شد که خود را آن نخبکار سیاسی و اقتصادی طردشده می‌دید. احزاب و سندیکاها نقشی در شکل‌گیری و سازماندهی تظاهرات نداشتند. حمایت از جلیقه‌رزرها در میان افکار عمومی فرانسه بسیار بالا بود، اما خودآگاهی اجتماعی و تربیت سیاسی که در سایه آزادی‌های سیاسی، ژورنالیسم پیدار و فرانسوی و کشنگری تاریخ‌مند احزاب سیاسی پدید آمده بود، جنبش را به کارگاه اشباع اجتماعی اعتراضات برد و به یک آموزشگاه سیاسی تاریخی تبدیل شد؛ نه به یک آینه عبرت خون‌ریگ، تلخ و کینه‌توزانه سیاسی، نه به کشته‌سازی و کشته‌گیری و نه به زخم تاریخی عمیق بر روح و روان فرانسویان. جنبش جلیقه‌رزرها ماه‌ها ادامه یافت، هزاران بازداشت و صدها مجروح و چندین کشته داشت، با خشمونت پلیسی جدی مواجه شد و هزینه اقتصادی و سیاسی درخور توجهی برای دولت مکنون ایجاد کرد. اما این جنبش «به اشباع رسید»، یعنی بخشی از مطالباتش در قالب اصلاحات مالیاتی و سیاسی جذب شد، بخشی فرسوده شد و بخشی نیز به جریان‌های راست و چپ منتقل شد.

این مقاله بخشی از مجموعه سرمقاله‌ها در صفحه ۵

یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۴
۲۶ شعبان ۱۴۴۷
۱۵ فوریه ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۲۷
۳۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

پیام تسلیت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پی درگذشت حجت‌الاسلام حافظی • پزشکیان: هیچ کشوری از جنگ، خیر نمی‌برد

مذاکرات تهران-واشنگتن ادامه خواهد یافت

دوگانه توافق یا تقابل روی میز

گزارش تئتریک رادر صفحه ۲ بخوانید

واکاوی اهمیت سفر جی.دی. ونس به قفقاز و پیامدهای راهبردی آن بر منافع ایران در گفت‌وگو با سید علی سقائیان و محسن پاک‌آیین

تهران درگیر مذاکره قفقاز در حال تغییر



این گفت‌وگو رادر صفحه ۲ بخوانید. عکس: سپند تاجی شرق

یادداشت

چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟



علیرضاخان‌ی

دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران

نیم‌ساعت از فعالیت تولیدی یک‌دم شده بود، حجم تولید افزایش یافت. فرضیه اول درست از کار درآمد.

در کام بعدی تیم تحقیق باز هم دستور داد دو وقت استراحت در ساعت کاری اختصاص یابد. نتیجه شگفت‌انگیز بود. حجم تولید باز هم افزایش یافت. کار همین‌جا متوقف نشد و دستور داده شد در حین هر دو وقت استراحت به پرسنل خوراکی بدهند. باز هم حجم تولید افزایش یافت.

در ادامه این آزمون‌های هیجان‌انگیز، اعضای تیم تحقیق حین قدم‌زدن در سالن کارخانه متوجه شدند که نور کم است. مقرر شد چراغ‌های بیشتری نصب کنند. باز هم تولید بیشتر شد.

مقرر شد برای بهترشدن جریان هوا! پنجره‌هایی برای سالن در نظر گرفته شود. تولید بالا رفت. همچنین محققان دیدند صندلی‌های کارگران و تکنیسین‌ها فلزی است و نشستن طولانی روی آنها رنج‌آور است. صندلی‌ها را چرمی کردند و این بار نیز تولید بیشتر شد. بعد از این افزایش‌های موفقیت‌آمیز دستور داده شد اضافه حقوقی متناسب با افزایش به پرسنل پرداخت کنند. تولید باز هم بیشتر شد.

تیم محقق خوشحال شدند که عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی پرسنل و افزایش تولید را یافته‌اند.

مدیران هائورن تئوری انسان اقتصادی (Economic human) فردریک تیلور را پذیرفته بودند. انسان اقتصادی یعنی نوع بشر، ذاتا موجودی است که به محرک‌های اقتصادی واکنش مثبت نشان می‌دهد و امتیازات اقتصادی انگیزه‌اش را بالا می‌برد.

اکنون وقت آن بود که محققان یافته‌های خود را به آزمایش بگذارند. برای این کار باید مشوق‌ها را حذف می‌کردند و میزان کاهش تولید را می‌سنجیدند. ابتدا آن نیم‌ساعت اراقفی را حذف کردند و ساعت کاری دوباره ۱۲ ساعت شد. این اتفاق افتاد و نتیجه‌ای عجیب به دست آمد. این بار نیز حجم تولید افزایش یافت! آزمون‌کنندگان متعجب از این رخداد دستور دادند هر دو وقت تنفس به‌علاوه تغذیه رایگان را حذف کنند. باز هم تولید افزایش یافت! تحیر محققان و مدیران هائورن آن‌گاه بیشتر شد که با حذف نور اضافه، پنجره‌های اضافه و تبدیل مجدد صندلی‌های چرمی به فلزی و حتی با قطع اضافه حقوق نیز بار تولید بیشتر شد!

پژوهشگران هائورن برای بررسی چرایی این نتایج شگفت‌انگیز از التون مایو، روان‌شناس استرالیایی تبار دانشگاه هاروارد، کمک خواستند تا به آنها در تحلیل نتایج حیرت‌آور این آزمایش‌ها یاری برسانند.

مایو تحقیقات دامنه‌داری دراین‌باره انجام داد. با کارگران و تکنیسین‌ها به گفت‌وگو نشست و نهایتا به نتیجه شگفتی رسید. نوعی سازمان اجتماعی در میان پرسنل کارخانه به وجود آمده بود. کارگران عملا در برابر حضور پرتعداد پژوهشگران و ناظران موضع گرفته بودند. کارگران از اینکه با مشوق‌های مادی می‌خواهند در آنها انگیزه ایجاد کنند، و موجودات حقیری پنداشته می‌شوند که مدیران آنها عزت نفس‌شان را مخدوش کرده‌اند، ناراحت بودند و

عملا می‌خواستند ثابت کنند افزایش تولید و کاهش تولید عملی خودآگاهانه است که ما درساره‌اش تصمیم می‌گیریم، نه شما. افزایش تولید در برابر حذف امتیازات، درواقع نوعی طغیان و ابراز اعتراض به آزمایش‌گرانی بود که بر کارگران گرفتار، حکمرانی می‌کردند. آنها احساس می‌کردند از فقر آنها سوءاستفاده شده و مورد تحقیر و توهین قرار گرفته‌اند.

این یافته‌ها آشکار کرد که کارکنان تنها یک «عامل» ساده در تولید -به‌مثابه ماشین- نیستند، بلکه انسان‌هایی هوشمند هستند که تعریف خودشان را از پدیده‌ها دارند و برای دفاع از تمایلات‌شان از مکانیسم‌هایی که از طرف خودشان طراحی شده، استفاده می‌کنند.

این اتفاق در ادبیات علوم اجتماعی «اثر هائورن» (Hawthorne Effect) نام گرفت. اثر هائورن درواقع نوعی واکنش است که به واسطه آن کسانی که پیش‌بینی ناپذیر شدن روندهای اقتصادی، موجی از نارضایتی ایجاد کرد که از حال انجام است، عملکرد خود را تغییر می‌دهند که این تغییر می‌تواند تنزل یا بهبود عملکرد باشد.

بحران معیشت و تنگنا در زیست و پیشه مردم و ضربه‌های سهمناک ناشی از سقوط بی‌توقف ارزش پول ملی و لامحاله کاهش قدرت خرید مردم و پیش‌بینی ناپذیر شدن روندهای اقتصادی، موجی از نارضایتی ایجاد کرد که از روز هفتم دی ماه ۱۴۰۴ بروز خیابانی‌ای یافت. موجی که از بخشی از بازار تهران آغاز شد و به دیگر اصناف و گروه‌های اجتماعی انتشار یافت.

محرك و پیشران آغازین این اعتراضات، به تباهی راندن مفهوم زندگی تحت تأثیر گسترش و تعمیق فقر بود. درست سه روز بعد از شروع و گسترش اعتراضات، دولت اعلام کرد که به هر شهروند ماهانه یک میلیون تومان یارانه پرداخت می‌کند. این یک خطای مخوف بود که لامحاله باعث تشدید اعتراضات می‌شد و شد. مردم، علی‌العموم این تصمیم را نه محصول یک فرایند منطقی و کارشناسی، نه حتی کنشی عاطفی در برابر زایل‌شدن معیشت و تپاه‌شدن زیست طبیعی مردمان، بلکه حاصل جبری شرایط غیرطبیعی و بحرانی تحلیل کردند که دولت را مستاصل و مجبور کرده است به شهروندان باج یا رشوه دهد. رفتار شهروندان آبدانانی در امحای اقلام یارانه‌ای ازجمله برنج و سرمدادن همن‌زمان شعارهایی با این مضمون که ما فقیر هستیم اما کدا نیستیم، گواه این سخن است. تشدید اعتراضات در روزهای بعد آشکارا نشان داد وعده‌ها و تمهیدات دولت برای شهروندان، «اثر هائورن» به وجود آورد و نتیجه‌ای معکوس میل دولت داد.

۲

تد رابرت گر (Ted Robert Gurr) نظریه‌پرداز برجسته جامعه‌شناسی سیاسی قرن بیستم، بنیان نارضایتی را احساس «محرومیت نسبی» می‌داند. براساس تئوری رابرت گر، به‌ویژه در جوامعی که میزان شایستگی افراد برای بهره‌مندی از ارزش‌های مادی، مبنای دقیق و تعریف مرزبندی‌شده‌ای ندارد، همه طبقات با دهک‌ها در برابر طبقه یا دهک مافوق خود احساس محرومیت می‌کنند. درک معنای محرومیت نسبی مستلزم شناخت مفاهیم «انتظارات ارزشی» و «قابلیت‌های ارزشی» در منظومه مفهومی رابرت گر است. انتظارات ارزشی در حقیقت همان چیزی است که یک شهروند انتظار دست‌یابی به آن را دارد و به تعبیری آنها را حق خود می‌داند. نظیر برخورداری از معیشت مطلوب، محیط زندگی مناسب، بهداشت و درمان مؤثر، درآمد کافی، تفریحات و تحصیلات مناسب و کرامت انسانی و هر آنچه برای برخورداری از رفاه و بهره‌مندی از آسایش و منزلت اجتماعی لازم است. درواقع یک شهروند با توجه به «زیست‌جهان» خود حدی از برخورداری از مواهب زندگی را حق خود می‌داند.

شکل‌های زندگی: دربارۀ کتاب «آثاری، دولت، اتوبیاء، اثر رابرت نوزیک

نوعی تأملات لیبرال

۷

برگزیده‌ها

«شرق» بندهای مالیاتی بودجه سال ۱۴۰۵ را بررسی می‌کند

اهرم مالیات بردوش معیشت

۴

گزارش «شرق» از وحشت و خطرات تلخ کودکان و نوجوانان پس از حوادث دی‌ماه و روایت خانواده‌هایشان:

کودکان گرفتار در سوگ جمعی

۵

طلسم ۴ میلیونی شاخص کل بورس

۴

نگاه

زلزله‌های عسלוویه؛ دو برابر متوسط سالانه!

یادداشتی از مهدی زارع

۸

برادران دالس جنگ سرد و سقوط مصدق

یادداشتی ازجواد لکزیان

۷

آمریکا با کدام تسلیحات به خاورمیانه آمد؟

یادداشتی از محمود فاضلی

۸

یادداشت

ایران امروز و ضرورت «بازگشت به رستم»



ناصرذاکری

کارشناس اقتصادی

حکیم توس در اثر ماندگار خود حکایتی تأمل‌برانگیز از زندگی پرماجرای رستم داستان را نقل می‌کند: خدمات ارزنده رستم نادیده گرفته شده و او بی‌مغضوب، دل‌آزده و خشمگین به خانه برمی‌گردد، مشاوران ایران‌دوست دست به دامان کودرز می‌شوند تا مشکل را حل کند. حکیم توس از زبان کودرز به حاکمان وقت می‌گوید: کسی را که جنگی چو رستم بُود/ ییازارد او را، رُخِز کم بُود باید قدر رستم و امثال رستم را دانست که فقط آنان می‌توانند گِره از کار ملک بگشایند. رستم در نگاه کودرز جهان‌دیده نه‌فقط یک پهلوان نبردهای تن‌به‌تن، بلکه یک کارشناس برجسته نظامی و مشاوری خردمند است، که باید به‌اصطلاح نازش را خرید و او را بازگرداند تا کشور از خدماتش بی‌بهره نماند. شاید در دوران کودرز مهم‌ترین شاخه دانش و تدبیر همان فنون جنگاوری و اردوکنشی بود، اما اینک رستم را می‌توان نماد تدبیر و خرد کارشناسی در تمام حوزه‌های حکمرانی دانست.

در سال‌های گذشته و با تلاش سازمان‌یافته جریان تندرو بسیاری از نخبگان خردمند و اهل تدبیر از ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور حذف شده و به جای آنان افرادی کم‌تجربه و کارنابلد جایگزین شده‌اند که حاصل کارشان در بهترین شرایط کشاندن کشور به ورطه تحریم‌ها و شدت‌گرفتن بحران اقتصادی است. گفتنی است که یکی از همین افراد در زمستان ۱۳۹۹ ادعا کرد اگر دولت هیچ کاری با اقتصاد نداشته باشد، تورم خودبه‌خود ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش می‌یابد! و البته در سال‌های بعد او هیچ‌گاه درباره علل محقق‌نشدن این وعده ناخبردانه توضیحی نداد.

این مقاله بخشی از مجموعه سرمقاله‌ها در صفحه ۶

این مقاله بخشی از مجموعه سرمقاله‌ها در صفحه ۵